



ویژه

درخواست ممنوعیت پرچم بوسنی

جدیدترین جنجال سیاسی در آستانه جام جهانی ۲۰۲۶

فضای پرتلاطم فوتبال جهان در آستانه جام جهانی ۲۰۲۶، بار دیگر با دخالت‌های سیاسی دستخوش حاشیه‌های جدیدی شده است. پس از جنجال‌های اخیر پیرامون تیم ملی ایران و اظهارات بحث‌برانگیز برخی مقامات آمریکایی، این بار یک درخواست مناقشه‌برانگیز از اروپا خبرساز شده است. ماریو کاراماتیچ، رئیس حزب دهقانی کرواسی در بوسنی و هرزگوین، با ارسال نامه‌ای رسمی به فیفا، خواستار ممنوعیت استفاده از پرچم موسوم به «لیلیوم» در رقابت‌های جام جهانی شده است. وی استدلال می‌کند که این پرچم، به دلیل بار سیاسی و تاریخی خود، با اصول بی‌طرفی در رویدادهای ورزشی بین‌المللی مغایرت دارد. کاراماتیچ در نامه خود تأکید کرده است که «استفاده گسترده از پرچم‌ها و نمادهایی با نشان لیلیوم که از نظر تاریخی با ارتش بوسنی و هرزگوین در جنگ سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۵ مرتبط است، نمونه‌ای روشن از ترویج نمادهای سیاسی و تاریخی در ورزشگاه‌ها است.» او همچنین اشاره کرده که این نماد، پرچم رسمی کشور بوسنی و هرزگوین نیست و استفاده از آن در فضای فوتبال بین‌المللی، به عنوان نماینده تنها یک گروه قومی تلقی می‌شود که می‌تواند فضایی «حذفی و حتی تبعیض‌آمیز» ایجاد کند.

این سیاستمدار کروات با اشاره به ترکیب جمعیتی بوسنی و هرزگوین از سه قوم اصلی کروات‌ها، صرب‌ها و بوشنیاک‌ها، خاطرنشان کرده است که «ترویج مداوم نمادهایی که به یکی از طرف‌های جنگ مربوط می‌شوند، در تضاد با اصول بی‌طرفی، شمول‌گرایی و نمایندگی برابر است؛ اصولی که فیفا تلاش می‌کند آنها را اجرا کند.» این درخواست، در حالی مطرح شده است که فیفا معمولاً نسبت به ورود نمادهای سیاسی به فوتبال حساسیت بالایی نشان می‌دهد. حال باید منتظر ماند و دید که واکنش این نهاد بین‌المللی به این درخواست مناقشه‌برانگیز چه خواهد بود و آیا این جنجال سیاسی، بر فضای جام جهانی ۲۰۲۶ سایه خواهد افکند یا خیر.

سوژه

اروگونه و روحیه مبارزه طلبی در جام جهانی ۱۹۵۴

خوان خویر گل زد، مرد و زنده شد

جام جهانی همواره صحنه‌های برای ثبت لحظات هیجان‌انگیز، عجیب و غیرمنتظره بوده است. در این میان، داستان‌های فردی بازیکنان و تیم‌ها گاهی به اندازه نتیجه نهایی بازی‌ها اهمیت پیدا می‌کند. لوسیانو ورنیکه، خبرنگار آرژانتینی که از سال ۱۹۹۳ تاکنون به ثبت این لحظات پرداخته، معتقد است که جام جهانی تنها مسابقه فوتبال نیست، بلکه مجموعه‌ای از رویدادها و داستان‌هایی است که جلوه‌های جذاب و گاه شوکت‌آور به این رقابت‌ها می‌بخشد. یکی از این داستان‌ها مربوط به جام جهانی ۱۹۵۴ است، جایی که اروگونه مهاجم تازه‌وارد خود، خوان خویر را برای اولین بازی ملی به میدان فرستاد. خویر که تجربه بین‌المللی نداشت، در دقیقه ۸۶ بازی گل به ثمر رساند و تیمش را از خطر حذف شدن نجات داد. این گل حساس باعث شد بازیکنان تیم اروگونه با هیجان و سرخوشی به سوی خویر بدوند و او را در آغوش بگیرند. اما فشار، هیجان و کمبود اکسیژن دست به دست هم داد و اتفاقی رخ داد که هیچ‌کس انتظارش را نداشت. خویر به زمین افتاد و از هوش رفت. کارلوس آباته پرتشک تیم، بلافاصله به او داورو نیکتامید (که آن زمان به نام گوارامین شناخته می‌شد) تزریق کرد و خویر پس از مدتی دوباره به هوش آمد. ورنیکه اشاره می‌کند که منابع پزشکی آن زمان از حمله قلبی و حتی احتمال مرگ این بازیکن خبر داده بودند. با وجود این حادثه، خویر در وقت اضافه دوباره به زمین بازگشت و تا پایان بازی همراه تیمش باقی ماند که نشان از روحیه مبارزه طلبانه‌ای که تیم اروگونه از آن برخوردار بود، داشت. برای درک بهتر این داستان، باید با مفهوم «پنجه چاروا» آشنا شد؛ روحیه مبارزه طلبی اعضای قبیله‌ای سرخپوست که پیش از ورود اسپانیایی‌ها و پرتغالی‌ها در منطقه‌ای که امروز اروگونه نام دارد، زندگی می‌کردند. این خصیصه روحی، گویا به نسل‌های بعدی منتقل شده و می‌تواند توضیح دهد که چگونه تیم ملی اروگونه در طول تاریخ توانسته در مقابل حریفانی قدرتمندتر مقاومت کند و به موفقیت دست یابد. این حادثه تنها یکی از نمونه‌های لحظاتی است که جام جهانی را به رویدادی متفاوت و منحصربه‌فرد تبدیل کرده است. لحظاتی که نه‌تنها نتیجه بازی را رقم می‌زند، بلکه داستان‌های انسانی و حماسی را نیز روایت می‌کنند؛ داستان‌هایی که گاه فراتر از فوتبال به روحیه، شجاعت و مقاومت بازیکنان پیوند می‌خورند. بنابراین جام جهانی نه‌تنها میدان رقابت برای بهترین تیم‌های جهان است، بلکه فرصتی برای ثبت رویدادهای تاریخی و به‌یادماندنی است. از گل‌های دقیقه آخر گرفته تا لحظات غیرمنتظره‌ای مثل سقوط خویر و بازگشتش به میدان، همه بخشی از تاریخ این تورنمنت محسوب می‌شوند. روایت ورنیکه یادآور این نکته است که فوتبال همواره بیش از یک بازی است؛ ترکیبی از هنر، استقامت و داستان‌هایی که نسل‌ها آنها را نقل می‌کنند و هر بار جلوه‌ای تازه از انسانیت و روحیه جنگجویانه به نمایش می‌گذارند.

پنجمین جام جهانی تاریخ فوتبال

نوشدارویی پس از تلخی جنگ

گزارش یک

محمدرضارحیم‌پور خبرنگار

از ورزشگاه‌های کوچک سوئیس تا آن شب بارانی در برن؛ «معجزه‌ای» که نسل طلایی فوتبال مجارستان را در هم کوئید و قصه‌ای به بلندی یک قرن رقم زد چهارم ژوئیه ۱۹۵۴، درست ۷۰ سال پیش، استادیوم وانگدورف در شهر برن سوئیس دیگر جا برای یک تماشاگر دیگر نداشت. نزدیک ۶۵ هزار نفر زیر بارانی سیل‌آسا در هوایی یخبندان، نظاره‌گر مسابقه‌ای بودند که از مدت‌ها قبل انتظارش را می‌کشیدند. در یک طرف، تیم شکست‌ناپذیر «مجارستان جادویی» بود با فرانس پوشکاش و شاندر کوچیش، بهترین تیم آن روزهای جهان. در طرف دیگر، آلمان غربی جوان با تی چند بازیکنان آماتور و شاید هم KDLI حرفه‌ای. رسانه‌ها قبل از بازی همه چیز را تمام‌شده می‌دانستند. نظرسنجی خبرنگاران حاکی از آن بود که از هر ۴۰ نفر، ۳۹ نفر پیروزی مجارستان را پیش‌بینی می‌کردند. کمتر کسی فکرش را هم می‌کرد که آن شب بارانی، یکی از بزرگ‌ترین شگفتی‌های تاریخ به نام «معجزه برن» ثبت شود. این همان معجزه‌ای بود که مسیر تاریخ فوتبال را تغییر داد، نسلی را اسطوره کرد و نسلی دیگر را بازنده‌های همیشگی یک شبی به یادماندنی.

اما این معجزه از کجا نشأت می‌گرفت؟ خود مجارها هفت ماه قبل نبود که انگلیس را ۶ بر ۳ در ویدلی در هم کوبیده و به اولین تیم غیربریتانیایی تبدیل شده بودند که موفق می‌شد تیم «سه شیر» را در خانه مغلوب کند؟ همین مجارها کمتر از یک ماه قبل از جام، دوباره انگلیس را با نتیجه ۷ بریک از پیش رو برداشته بودند تا قدرت هجومی خود را به رخ بکشند.

انتخاب سوئیس به عنوان میزبان نیز بی‌مناسبت نبود. سازمان فیفا که یک سال قبل، پنجاهمین سالگرد تأسیس خود را جشن می‌گرفت، تصمیم گرفت که به بهانه این سالگرد، مهم‌ترین رویداد فوتبالی خود را در مقر اصلی خود، یعنی شهر زوریخ برگزار کند. اما آن چه این تورنمنت را از تمام جام‌های قبلی متمایز می‌کرد، چیزی فراتر از میزبانی بود.

سیستم عجیب گروهی

ساختار مسابقات سال ۱۹۵۴ نیز در نوع خود منحصر به‌فرد بود. تیم ۱۶م حاضر در چهار گروه چهارتیمی قرار می‌گرفتند، اما در یک نواآوری عجیب، هر تیم تنها دو بازی در مرحله گروهی انجام می‌داد. این سیستم عجیب باعث شد تا تیم‌های مدعی مثل

وقتی جام جهانی ۱۹۵۴ فوتبال را وارد عصر رسانه کرد

انقلاب تصویر



جام جهانی ۱۹۵۴ سوئیس را می‌توان نقطه عطفی در تاریخ فوتبال و رسانه دانست؛ دوره‌ای که برای نخستین بار، این رقابت‌ها از قاب تلویزیون به خانه‌های مردم راه یافت و تجربه تماشا فوتبال را برای همیشه تغییر داد. تا پیش از آن، علاقه‌مندان فوتبال تنها از طریق گزارش‌های رادیویی یا روزنامه‌ها در جریان مسابقات قرار می‌گرفتند، اما این بار، تصویر جای کلمات را گرفت و هیجان بازی‌ها به شکلی بی‌واسطه منتقل شد. تلویزیون در دهه ۱۹۵۰ هنوز رسانه‌ای نوظهور بود و در بسیاری از کشورهای اروپایی به‌تازگی در حال گسترش بود. با این حال، بخش مسابقات جام جهانی ۱۹۵۴ باعث شد این فناوری نوا به‌سرعت جای خود را در میان مردم باز کند. میلیون‌ها نفر برای نخستین بار توانستند صحنه‌های واقعی از یک رویداد بزرگ ورزشی بین‌المللی را مشاهده کنند؛ صحنه‌هایی که پیش از آن تنها در قالب

تأثیر جنگ جهانی بر جام جهانی

جام جهانی ۱۹۵۴ سوئیس در تاریخ فوتبال به عنوان یک دوره پرگل و پرحاشیه ثبت شده است. این تورنمنت شاهد به ثمر رسیدن رکوردهای متعدد در گلزنی بود، اما متأسفانه، به دلیل خشونت بیش از حد در برخی مسابقات نیز در خاطره‌ها مانده است. این دوره از رقابت‌ها، با بازی‌های خشن و درگیری‌های فیزیکی، از استانداردهای ورزشی فراتر رفت و به صحنه‌های خشونت‌آمیز تبدیل شد.

تأثیر جنگ جهانی بر جام جهانی

سازمان فیفا که

یک‌سال قبل

پنجاهمین

سالگرد تأسیس

خود را جشن

می‌گرفت

تصمیم‌گرفت

به بهانه این

سالگرد

مهم‌ترین رویداد

فوتبالی خود را در

مقر اصلی خود

یعنی شهر زوریخ

برگزار کند



اتریش و سوئیس نمایشی پایاپای داشته باشند اما همه چیز به مرحله حذفی موکول می‌شد. اما آن چه این جام را به یک تورنمنت خاطره‌انگیز تبدیل کرد، میانگین گل‌های به ثمر رسیده بود. در مجموع ۲۶ بازی برگزار شده، ۱۴۰ گل به ثمر رسید تا میانگین ۳/۸ گل در هر بازی به ثبت برسد؛ رکوردی که تا سال‌ها دست‌نیافتنی باقی ماند. شاندر کوچیش، مهاجم بلندپایه مجارستان با زدن ۱۱ گل (که نیمی از آنها با سر به ثمر رسید) عنوان آقای گلی مسابقات را از آن خود کرد.

نبرد برن

اما این جام تنها به گل‌های فراوان خلاصه نمی‌شد. در یکی از خشن‌ترین بازی‌های تاریخ جام جهانی که بعدها به «نبرد برن» معروف شد، مجارستان و برزیل در مرحله یک چهارم نهایی به مصاف هم رفتند. بارن شدید زمین لغزند، شرایط را برای داور سخت کرده بود. سه گل و چندین خطای خشن، بازی را به یک جدال تمام‌عیار تبدیل کرد. در اواخر بازی، داور مجبور شد سه بازیکن (دو برزیلی و یک مجار) را از زمین اخراج کند. این دیدار به قدری متشنج شد که نیروی پلیس سوئیس مجبور شد برای جدا کردن بازیکنان وارد میدان شود. با این حال، مجارستان با نتیجه ۴ بر ۲ پیروز میدان شد و به مرحله نیمه‌نهایی صعود کرد.

جایی که همه چیز برعکس شد

اما اوج دراماتیک جام به فینال موکول شده بود. آلمان غربی که در مرحله گروهی با نتیجه ۸ بر ۳ مغلوب مجارستان شده بود، این بار با ترکیبی متفاوت یا به میدان گذاشته بود. تاکتیک آلمانی‌ها این بود که در فاز گروهی، با بازیکنان ذخیره بازی کنند تا تاکتیک‌ها و نقاط ضعف تیم اصلی لو نرود.

مجارستان، تحت تأثیر مصدومیت فرانس پوشکاش، کاپیتان و بهترین بازیکن خود قرار داشت. با این حال، آن چنان قدرتمند ظاهر شد که بازی را با دو گل از پوشکاش و زولتان تسیبور در ۸ دقیقه ابتدایی آغاز کرد. اما باز هم ایستادگی آلمانی‌ها حیرت‌انگیز بود. هلموت ران ستاره آلمانی در نیمه دوم با یک شوت از راه‌دور، بازی را به تساوی کشاند و سپس گل پیروزی را به ثمر رساند. آلمان غربی ۳ بر ۲ پیروز شد تا اولین قهرمانی خود را جشن بگیرد.

پایان یک دوره و آغاز یک افسانه

برای مجارستان اما این شکست پایانی بر رویای بزرگ بود. مجارهای جادویی دیگر هرگز به آن اوج دست پیدا نکردند. انقلاب ۱۹۵۶ مجارستان (دو سال بعد) بسیاری از ستارگان آن نسل را از کشور فراری داد. پوشکاش راهی ژنرال مادرید شد و کوچیش

به ویژه، دیدار یک چهارم نهایی بین مجارستان و برزیل، که به «نبرد برن» مشهور شد، نمونه بارز این خشونت بود. در این مسابقه، تکل‌های خطرناک، درگیری‌های لفظی و فیزیکی متعدد و اخراج بازیکنان، باعث شد تا کنترل بازی از دست داور خارج شود و زمین چمن به میدان نبرد شباهت پیدا کند. دیدار مرحله گروهی بین اتریش و سوئیس نیز از جمله مسابقات پرتنش این دوره بود

با فشارهای فیزیکی و برخورد‌های شدید همراه بود. این بازی‌ها نمایانگر این واقعیت بود که سبک بازی در آن دوران، تا چه حد به قدرت بدنی بازیکنان وابسته بود. تحلیلگران معتقدند که عدم وجود قوانین سختگیرانه امروزی و همچنین فشارهای ملی گرایانه پس از جنگ جهانی دوم، نقش مهمی در افزایش خشونت در این دوره از مسابقات داشته است.



نیز به بارسلونا پیوست. جام جهانی ۱۹۵۴ در منظر تاریخی، نه فقط به خاطر میزبانی سوئیس، بلکه به خاطر «معجزه برن» و «نبرد برن» ماندگار شد. دوره‌ای که فیفا شاهد اولین قهرمانی آلمان غربی بود؛ دوره‌ای که زول ریمه، بنیانگذار جام جهانی، برای آخرین بار به عنوان رئیس فیفا در یک

تحقیقات پژوهشگران دانشگاه لایپزیگ نشان می‌دهد

معجزه‌ای با طعم دوپینگ؟



فکر عمومی گذاشتند. اگر این رقابت‌ها تنها از طریق گزارش‌های نوشتاری منتقل می‌شدند، شاید هرگز چنین ابعاد گسترده‌ای پیدا نمی‌کردند. علاوه بر این، بخش تلویزیونی‌های افزایش محبوبیت جهانی فوتبال کمک شایانی کرد. این رسانه توانست فاصله جغرافیایی را از میان بردارد و مردم کشورهای مختلف را به یک تجربه مشترک پیوند دهد. فوتبال که پیش‌تر بیشتر یک سرگرمی محلی یا ملی محسوب می‌شد، به تدریج به یک پدیده جهانی تبدیل شد. همین روند در سال‌های بعد ادامه یافت و زمینه‌ساز تبدیل جام جهانی به بزرگترین رویداد ورزشی جهان شد.

فکر عمومی گذاشتند. اگر این رقابت‌ها تنها از طریق گزارش‌های نوشتاری منتقل می‌شدند، شاید هرگز چنین ابعاد گسترده‌ای پیدا نمی‌کردند. علاوه بر این، بخش تلویزیونی‌های افزایش محبوبیت جهانی فوتبال کمک شایانی کرد. این رسانه توانست فاصله جغرافیایی را از میان بردارد و مردم کشورهای مختلف را به یک تجربه مشترک پیوند دهد. فوتبال که پیش‌تر بیشتر یک سرگرمی محلی یا ملی محسوب می‌شد، به تدریج به یک پدیده جهانی تبدیل شد. همین روند در سال‌های بعد ادامه یافت و زمینه‌ساز تبدیل جام جهانی به بزرگترین رویداد ورزشی جهان شد.

قهرمانی آلمان غربی در جام جهانی ۱۹۵۴ که بعدها با عنوان مشهور «معجزه برن» در تاریخ فوتبال ثبت شد، همواره یکی از بحث‌برانگیزترین قهرمانی‌های تاریخ است. این ورزش باقی مانده است. این پیروزی، برای بسیاری از آلمانی‌ها که نه فقط یک موفقیت ورزشی، بلکه نقطه بازگشت غرور ملی پس از ویرانی‌های جنگ جهانی دوم بود اما در سال‌های اخیر، روایت این معجزه با پرسش‌هایی جدی درباره «پاکی» آن مواجه شده است. تحقیقات و گزارش‌هایی که بعدها از سوی برخی پژوهشگران و رسانه‌های اروپایی از جمله دانشگاه لایپزیگ مطرح شد، ادعا می‌کند که در جریان آن تورنمنت، به برخی از بازیکنان تیم ملی آلمان غربی مواد محرک تزریق شده است. در این گزارش‌ها از موادی مانند مت‌آمفتامین یاد شده؛ ماده‌ای محرک که در دهه‌های گذشته، به‌ویژه در دوران جنگ جهانی دوم، در برخی جاسوس‌های نظامی برای افزایش توان جسمی و کاهش خستگی مورد استفاده قرار می‌گرفت.

هنرچند بازیکنان و اعضای تیم آلمان در آن زمان همواره این ادعاها را رد کرده و تزریق‌ها را صرفاً «وینامین سی» یا مواد تقویتی ساده عنوان کرده‌اند، اما باز شدن دوباره این پرونده در دهه‌های اخیر، سایه‌ای از تردید بر یکی از مهم‌ترین قهرمانی‌های تاریخ فوتبال انداخته است. هنوز هم اجماع قطعی و حقوقی درباره این اتهامات وجود ندارد، اما طرح مکرر آنها باعث شده «معجزه برن» به لحظه‌ای بدل شد که یک ملت از دل شکست و ویرانی، دوباره خود را باز یافت. همین جنبه روانی و اجتماعی باعث شده است که حتی با وجود تمام بحث‌ها و تردیدها، جایگاه این پیروزی در فرهنگ عمومی آلمان همچنان بسیار پررنگ باقی بماند. در نهایت، جام جهانی ۱۹۵۴ را نمی‌توان تنها با یک پرچم ساده توضیح داد. این رویداد، ترکیبی از شکوه ورزشی، نوآوری تاکتیکی، فشارهای سیاسی و البته انبساط اخلاقی است. «معجزه برن» اگرچه برای برخی نماد بازگشت یک ملت است، برای برخی دیگر یادآور این پرسش همیشگی است که مرز میان پیروزی واقعی و پیروزی مشکوک کجاست.